

جرم انگاری انتقال بیماری ایدز

فاطمه نوری*

عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، ایران

Email:NooriFateme90@yahoo.com

چکیده

افراد مبتلا به ایدز طیفی را تشکیل می دهند به آنان نسبت های ناروای اجتماعی تحت عنوان افراد آلوده یا غیر اخلاقی داده می شود لذا از منزلتی که شایسته انسان است محروم می مانند. هدف در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و کتابخانه ای، نشان دادن نقش حقوق جزا و میزان کارایی آن در مقابله با معضل ایدز می باشد این بررسی نشان می دهد که از نظر کیفری در موردی که ناقل با علم و قصد از طریق تماس جنسی، شریک جنسی خود را بدون اطلاع وی مبتلا می سازد حکم به قتل عمد و قصاص بعنوان عامل بازدارنده و اقتضای مصالح اجتماعی سازگارتر است اما در مواردی که قصد قتل یا علم به کشنده بودن و یا انتقال مرض نباشد با توجه به اصول حاکم بردادرسی از قبیل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق به نفع متهم و قاعده ی درء، حکم به قتل شبه عمد منطقی تر است.

کلید واژه: مسئولیت کیفری، ایدز، انتقال بیماری آمیزشی، قتل عمد، جرم انگاری

Criminalization AIDS Translation

Fatemeh Noori

Instructor, Department of law, Payame Noor University, Iran

Abstract

They comprise a range of people with AIDS than those infected as socially unjust or immoral is therefore worthy deprived human dignity. This paper uses analytical methods and a library of Criminal Law and demonstrate its efficacy in combating the scourge of AIDS This study shows that the criminal case carries with knowledge and intent of sexual contact, sexual partners affected without notice. Sentence for attempted murder and retaliation as a deterrent to social aggregate demand is consistent But in cases was not of attempted murder, or science, or transmission of the disease, according to legal principles Brdadrsy such as crime and punishment, in favor of the accused and rule Dr' narrow interpretation of the rule like intention of killing it is more logical.

Key words: Criminal Responsibility AIDS, Transmission of STS ,murder, Criminalization

مقدمه

اچ آی وی ، ویروسی است که ابتلای به آن منجر به ضعف سیستم ایمنی بدن انسان ، متعاقب آن ابتلای به ایدز بیماریها و در نهایت مرگ می گردد. بنابراین برخی کشورها انتقال این ویروس را در صورت تحقق برخی شرایط روانی جرم تلقی کرده و تحت قانون خاص مورد حمایت قرار داده اند .انتقال اچ آی وی ، در اکثر مواقع با علم و آگاهی همراه نمی باشد لذا اقدامات درمانی و پیشگیرانه ضروری به نظر می رسد. شیوع بیماری ایدز در سال های اخیر از یک سو و فقدان قانونی خاص جهت جرم انگاری و مجازات رفتارهای انتقال دهنده ی آن سبب شده است تا در این راستا توسل به نهادهای کیفری موجود مورد توجه قرار گیرد. در ایران عناوینی چون انتقال بیماری های آمیزشی، قتل عمد و غیر عمد، شروع به قتل، وادار کردن ضرب و جرح عمدی و محاربه در این مورد قابل اعمال به نظر می رسد. حال آنکه عناوینی چون تهدید علیه بهداشت عمومی چندان مناسب نخواهد بود. یکی از اهداف مشترک مسئولیت های کیفری و مدنی جلوگیری از وقوع جرم، تنبه و اقدامات احتیاطی است و آنکه انسان متعادل باید رفتارهای محتاطانه داشته باشد. از سوی دیگر در بسیاری از موارد کار ناشایستی که سبب ایجاد مسئولیت کیفری و مدنی می شود مشترک است. به عبارت دیگر یک تقصیر باعث ایجاد دو مسئولیت است. (کاتوزیان، 42:1378)

در این پژوهش مسئولیت کسانی که سلامت دیگران را با علم و عمد یا از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی در تماس جنسی به خطر می افکنند، مورد بررسی قرار می گیرد. آنچه که ایدز را از سایر امراض مشابه واگیردار متمایز می نماید. طرق خاص انتقال آن است ویروس عامل این بیماری جهت ادامه حیات خود راهی جز انتقال به بدن قربانی خویش ندارد و این جز از راه تماس خونی و یا ترشحات جنسی امکان پذیر نمی باشد و دقیقاً به همین خاطر است که پیشگیری از این بیماری را امکان پذیر می نماید. در مجموع شیوع بالا، مرگ و میر زیاد ، عدم درمان پذیری و امکان پیشگیری از خصوصیات بارز این بیماری بوده و به همین دلیل است که اهتمام هر چه بیشتر سیاست های کیفری را در این زمینه توجیه بردار می نماید. علی رغم تلاش های وسیعی که در کشورهای اروپایی در این راستا، متأسفانه در کشور ما هیچ گونه تحرکی در این زمینه به چشم نمی آید.

همزمان با روند روبه رشد ایدز در جوامع، این سؤال در بین حقوقدانان مطرح شده است که آیا جهت پیشگیری و یا کنترل این بیماری نیازی به اتخاذ تدابیر و سیاستهای کیفی بوده با آنکه نباید داخل در حریم خصوصی افراد شده و بر آزادی های شخصی آنان خدشه ای وارد نمود؟ نظرات موافق و مخالف بسیاری در این زمینه ابراز گردیده است:

برخی معتقدند که جرم انگاری رفتارهای انتقال دهنده ی ایدز سبب می شود که مبتلایان به این بیماری نسبت به رفتارهای خود با احتیاط بیشتری عمل کرده و احیاناً با مسامحه و تقصیر خود موجبات به خطر انداختن حیات و سلامت دیگران را فراهم نمایند. (Elliot,1997,P:33)

مسئولیت کیفی ناشی از انتقال بیماری ایدز

مجرمیت و مسئولیت کیفی در شرع اسلام عبارت است از آن است که، انسان نتایج آن دسته از اعمال ممنوعه ای را که با اختیار و آگاهی از محتوا و نتایج آن مرتکب می شود، راتحمل نماید. (عوده، 1405، : 392)

انتقال بیماری از روی علم و عمد

در بین نظریات و فتاوی فقهاء گروهی این عمل را از نوع قتل عمدی تلقی و آن را موجب قصاص دانسته اند و گروه دیگری این نوع قتل را شبه عمد و موجب دیه می دانند. بنابر نظر صاحب جواهر اگر کسی به دیگری غذای مسموم بدهد تا او بخورد و سم به گونه ای باشد که نوعاً و غالباً کشنده باشد یا قصد قتل او را بدین وسیله داشته یا رضی را برای او به دنبال آورد و خورنده به واسطه آن فوت نماید. در صورتی که خورنده علم به حال نداشته است برای ولی، حق قصاص وجود دارد. (نجفی، 1367: 35-36) امام خمینی (ره) و آیت الله تبریزی نیز معتقدند: اگر کسی طعام مسمومی را در جلوی کسی بگذارد و سم به گونه ای باشد که مثل او را می کشد و یا قصد قتل وی را از این طریق داشته باشد و خورنده علم به حال نداشته باشد پس بخورد و بمیرد، قصاص بر او ثابت است. (امام خمینی، 1365: 461؛ تبریزی، 1361: 27)

«آیت الله منتظری» در مورد انتقال بیماری بر این عقیده اند: «اگر مجنی علیه به بیماری شخص انتقال دهنده ی ویروس، علم نداشته باشد و انتقال دهنده ی آن با قصد کشتن او یا با علم به این که ویروس، کشنده اوست اقدام به چنین عملی کند و در اثر آن مجنی علیه کشته شود قتل عمدی بود و مجوز قصاص است و در غیر این دو صورت عمد نیست و احکام شبه عمد یا خطا مترتب است در فرض

مذکور در صورت کشته نشدن مجنی علیه انتقال دهنده ی ویروس ضامن خسارت ناشی از عمل خود است.»(منتظری، 1364:480)

مقنن هنگام نگارش قانون چنین بیماری وخیمی را در نظر نداشته و بیماری های آمیزشی را محدود به سوزاک و امثال آن دانسته اند. مجلس شورای ملی در تاریخ 1320/3/11 مصوبه ای تحت عنوان «قانون طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی و واگیر دار» تصویب نمود که هنوز توسط قانون مؤخر التصویبی به طور صریح یا ضمنی نسخ نشده است.

به موجب ماده 9 قانون مزبور «هر کس بداند که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر دار بوده و یا آن که اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر دار است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و به قضایی شکایت کند مبتلا کننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می شود.

تعقیب فقط در موردی انجام می گیرد که خواهان خصوصی در میان باشد و در صورتی که خواهان خصوصی شکایت خود را مسترد دارد، تعقیب و یا هم چنین اجرای کیفر موقوف خواهد شد.» در بیان مقصود و هدف ماده فوق باید ادعان داشته که انتقال بیماری های آمیزشی طبق این ماده، جرمی قابل گذشت به شمار می آید و مجازاتی که طبق این ماده برای مبتلا کننده در نظر گرفته شده است حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال است.

نقدی که در استناد به این ماده در رابطه با بیماری های کشنده جنسی وارد است این که عدم تطابق شدت فعل مجرمانه و شدت مقرر در ماده فوق، عدالت کیفری را تحقق نخواهد بخشید. زیرا برخی بیماری های جنسی به میزانی خطرناکند که نهایتاً منجر به مرگ قربانی می گردد و تا زمان فرا رسیدن مرگ نیز شخص را از بسیاری از تمتعات زندگی محروم می نماید و چنین عملی را نمی بایست با مجازات خفیفی عقوبت نمود. البته مسلم است که در زمان تصویب این قانون بیماری وخیمی چون ایدز یا هیپاتیت کمتر در نظر جلوه گر بوده و بیماری های آمیزشی را محدود به همان سوزاک و امثال آن می دانستند. با بررسی قانون مجازات اسلامی تحت عناوین کیفری زیر را می توان ناقل بیماری ایدز را مورد تعقیب قرار داد.

1- شروع به قتل

به زعم برخی، از آن جا که بیماری ایدز پس از انتقال، به سرعت کشنده نیست، فلذا عمل مرتکب اگر عمداً صورت گرفته باشد مشمول ماده 613 ق مجازات اسلامی می گردد. (نظریه اقلیت اعضا، کمیسیون دادسرای انتظامی قضات: WWW.dadgostary.com) این ماده بیان می دارد:

«هر گاه کسی شروع به قتل عمدی نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به 6 ماه تا 3 سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.»

نکته قابل توجه اینست که طبق ماده فوق، انتقال دهنده ایدز می بایست در عمل خود، دارای عمد باشد لذا این ماده شامل آن دسته اعمالی که بدون عمد و سهواً موجبات انتقال ایدز را فراهم می آورند، نخواهد شد.

2- قتل عمد

مستفاد از مفاد ماده 290 ق.م.ا. قتل را می توان در دو صورت زیر عمد دانست:

- 1- جانی قصد کشتن مجنی علیه را داشته باشد. (هر چند عمل وی نوعاً کشنده نباشد).
 - 2- عمل جانی نوعاً کشنده باشد. (هر چند قصد کشتن مجنی علیه را نداشته باشد و هر چند کشندگی عمل وی به دلیل بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی مجنی علیه بوده باشد)
- در پرونده های مربوط به انتقال ایدز، رکن مادی جرم، شامل تمامی رفتارهایی است که موجبات انتقال عفونت را فراهم می آورد. اقدام به دخول جنسی، تهیه فرآورده های خونی آلوده از قبیل پلاسما یا پلاکت ها، اهدای خون آلوده، اهدا یا فروش عضو آلوده، فروش وسایل تزریق، اعم از وریدی یا عضلانی از قبیل سوزن و سرنگ های آلوده و مانند آن، از این نوع رفتارها به شمار می آیند.
- به عنوان مثال، اگر کسی به قصد قتل دیگری اقدام به اهدای خون آلوده وی نمایند و در نتیجه، مجنی علیه نیز جان خود را از دست بدهد، اقدام متهم برابر با بند الف از ماده 290 قابل مجازات خواهد بود. اما اگر متهم با علم از وضعیت ابتلا خود، بدون آن که طرف مقابل مثلاً همسر خود را از این امر مطلع نموده باشد اقدام به برقراری رابطه جنسی با وی نماید، هر چند که قصد قتل وی را نداشته باشد اما از آن جا که عمل مذکور نوعاً کشنده به شمار می آید، فعل مزبور در صورت فوت مجنی علیه مطابق بند ب ماده 290 قتل عمد به شمار خواهد آمد.

سؤالی که در پایان این بخش مطرح می گردد آن است که اگر مرگ مجنی علیه حاصل جمع اقدام دو نفر باشد، تکلیف چیست؟ به عنوان مثال: «الف» به قصد قتل «ب» وی را مبتلا به بیماری ایدز نموده است لکن

پی از حصول نتیجه قطعی (مرگ بزه دیده) فرد دیگری «ج» در جریان ضربه چاقویی را به بدن وی وارد آورده و موجبات به خطر افتادن حیات وی را فراهم می نماید. در این جا چنان چه به تشخیص پزشک قانونی، صرف جرح عمدی با چاقو برای فوت بزه دیده کافی نبوده بلکه ابتلاء وی به عفونت نیز سبب ضعف قوای جسمانی و تحلیل نیروی دفاعی بدن وی شده و مرگ بزه دیده نیز حاصل مجموع این دو عامل به شمار آید، بحث شرکت در جرم قتل مطرح خواهد شد. ماده 368 ق.م.ا در این رابطه مقرر دارد:

اگر عده ای، آسیب هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب ها موجب قتل او شود فقط وارد کنندگان این آسیب ها، شریک در قتل می باشند و دیگران مرد قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می شوند.

اما چنان چه بزه دیده به واسطه مجموع دو یا چند عامل مختلف جان خود را از دست دهد لکن برخی از آن ها با قصد قتل و برخی دیگر بدون چنین قصدی صورت پذیرفته باشد، تنها کسی که عمل وی با قصد قتل مجنی علیه صورت گرفته است مستحق قصاص به شمار خواهد آمد، لکن طرف دیگر که عمل وی با قصد قتل نبوده به پرداخت نصف دیه به قاتل ملزم خواهد شد. (عاملی، 1419 ه. ق. 98) در فرض فوق به عنوان مثال اگر «الف» و «ج» هر دو به قصد قتل «ب» مرتکب فعل غیر قانونی خود شده باشند محکوم به قصاص خواهند بود. اما اگر «الف» از وضعیت ابتلا خود به بیماری ایدز آگاهی نداشته و موجبات آن را به «ج» فراهم آورده و «ب» نیز با جرح ناشی از چاقوی خود قصد قتل «ج» را نموده باشد، در این جا تنها «ب» محکوم به قصاص شده و «الف» نصف دیه را به قاتل پرداخت خواهد نمود.

همچنین طبق ماده 290 قانون مجازات اسلامی اگر قاتل عملی را انجام دهد که غالباً کشنده باشد باز هم قتل عمد محسوب می شود اگر چه قاتل قصد قتل نداشته باشد. از این رو با توجه به آن که بیماری مانند ایدز نوعاً کشنده است، استفاده از عنوان کیفری شروع به قتل عمد برای ناقل موّجه می باشد.

3- قتل شبه عمد

برابر با بند ب ماده 291 ق.م.ا قتل شبه عمد:

«... در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد... و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.»

«هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و جنایتی که به سبب تقصیر مرتکب واقع شود...»

در این جا نیز مانند قتل عمد عنصر مادی شامل تمامی رفتارهای است که مانند اقدام به دخول جنسی، تزریق فرآورده های خونی آلوده از قبیل پلاسما یا پلاکت ها، اهدای خون آلوده، اهدا یا فروش عضو آلوده، فروش وسایل تزریق، اعم از وریدی یا عضلانی از قبیل سوزن یا سرنگ های آلوده و مانند آن، موجبات انتقال عفونت را فراهم می آورد اما مبتلا به ایدز بدون اطلاع از وضعیت ابتلا خود، سبب انتقال آن را به دیگری فراهم می نماید مثلاً بدون اطلاع از وضعیت بهداشتی خود، و البته با استفاده از وسایل پیشگیری کننده نظیر کاندوم، اقدام به رابطه زناشویی با همسر خویش نماید لکن به دلیل پاره یا سوراخ شدن کاندوم در اثناء رابطه، وی رانیز مبتلا کند، و در نتیجه همسر وی جان خود را از دست دهد، در اینجا قتل از نوع شبه عمد خواهد بود. یا مثلاً فرد مبتلا به ایدز با دیگری وارد مجادله بدنی می شود و در اثنای ضرباتی که تبادل می شود خون فرد مبتلا با خون دیگری تماس پیدا کرده و وی مبتلا به ایدز نموده و نهایتاً موجب مرگ وی می شود یعنی اتفاقاً سبب مرگ مجنی علیه را فراهم آورده است، لذا متهم به قتل شبه عمد و پرداخت دیه می شود نه قصاص.

4- ضرب و جرح عمدی

برخی انتقال بیماری ایدز را با ماده 614 قانون مجازات اسلامی در رابطه با ایراد ضرب و جرح عمدی منطبق دانسته اند. (نظریه اکثریت قضات در دادگستری فیروزکوه: www.dadgostary.com) در این ماده آمده است:

«هرگاه هرکسی عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرضی دائمی یا زوال عقل مجنی علیه گردد، در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنان چه اقدام وی موجب اخلال در نظم وصیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.»

به نظر می رسد، اعمال این مجازات بر رفتارهای مخاطره آمیزی مانند انتقال ایدز مناسب نیست زیرا: اولاً: طبق این ماده انتقال دهنده ایدز می بایست در فعل خود عمد داشته باشد درحالیکه در بسیاری از موارد انتقال ایدز به واسطه سهل انگاری و یا اساساً جهل به آلوده بودن وسیله انتقال، مانند تیغ یا سوزن های آلوده، صورت می پذیرد، که در این صورت از شمول این ماده خارج خواهند بود.

ثانیاً: آن چه که ماده از آن به صراحت یاد کرده است، «ضرب و جرح عمدی» است در حالیکه هیچ گاه نمی توان انتقال ویروس ایدز را چه از طریق روابط جنسی و چه غیر آن، مصداق ضرب و جرح به شمار آورد.

5- محاربه و افساد فی الارض

شاید نتوان انتقال عفونت HIV را در حالت عادی مصداق عمل «محاربه» و یا «افساد فی الارض» به شمار آورد، اما فرضیه ای که ما در ذهن داریم مربوط به جانی است که فرد یا گروهی، با شیوع و پخش وسیع آلات و ادوات آلوده به ایدز در سطح جامعه، سعی در فلج نمودن و ابتلاء مملکت به این بیماری مهلک داشته و هدفی چون اخلال در امنیت عمومی و جامعه اسلامی را در سر می پروراند. چنین اعمالی که ممکن است با انگیزه تضعیف حکومت اسلامی و درگیر نمودن آن با مشکلات فراوان متعاقبه و یا به هوای سودآوری و تجارت صورت پذیرد، می تواند از طرق مختلفی هم چون توزیع سرنگ ها یا سوزن های آلوده، رواج مواد آرایشی مبتلا به عفونت، و یا وارد کردن خون های آلوده به ایدز داخل کشور انجام پذیرد. در چنین مواردی است که این سؤال در ذهن مطرح می شود که آیا می توان چنین افرادی را از باب «محاربه» و یا «مفسد فی الارض» به عقوبت یا مجازات رساند یا خیر؟

در قانون مجازات اسلامیه ماده 279 مقرر می نماید: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط می گردد.»
فقهها، عمده مباحث خود را در این رابطه ذیل آیه شریفه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا...» (مائده، 33) مطرح نموده اند.

«محاربه» بر وزن مفاعله و از ریشه «حرب» به معنای نبرد و نزاع است. فقها در تعریف محاربه عنوان نموده اند: «وهی تجرید السلاح برأ او بحرأ، لیلاً او نهراً لاخافه الناس فی مصر و غیره من ذکر او انشی، قوی او ضعیف»

«محاربه عبارت است از کشیدن سلاح در خشکی یا دریا، در شب یا روز، در شهر یا خارج از شهر، توسط زن یا مرد، به منظور ترساندن مردم. خواه کشیدن سلاح توسط فرد ضعیفی باشد و یا قوی» (عاملی، 1411 ه.ق. : 244) بنا بر نظر فقهای معظم، عنوان «محاربه» در جایی صادق است که عمل فرد سبب اخلال در امنیت حکومت اسلامی و از بین رفتن نظم عمومی می گردد. بر همین اساس آیت الله منتظری در تعریفی جامع

تر از «محاربه» آن را عملی می دانند که سبب ترساندن مردم و برهم زدن نظم اجتماعی یا ترور اشخاص یا غارت دارایی مردم باشد. (منتظری، 1377: 425)

پس در مجموع می توان گفت که محارب کسی است که به نحوی از انحاء، به ستیز با حکومت اسلامی و ایجاد اختلال در امنیت جامعه پرداخته است.

سلاح در محاربه سلاح واقعی اعم از سرد و گرم است لذا نمی توان اعمالی از قبیل شکستن سد و سرازیر کردن آب به سوی خانه های مردم، پاشیدن فلفل یا اسید به روی آن ها و پخش کردن مواد آلوده و مسموم در هوا را از مصادیق «محاربه» دانست. (میر محمد صادقی، 1382: 47)

پس عنصر اصلی جرم «محاربه»، «دست بردن به سلاح» نیست بلکه شرط اساسی تحقق «محاربه»، اقدام به اعمالی است که به قصد برهم زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی صورت پذیرفته و یا آن که در عمل چنین نتیجه ای را به دنبال داشته باشند

به نظر می رسد که عنوان محاربه برانتشار و شیوع عامدانه ویروس ایدز نیز جاری باشد. آن جا که فرد یا گروهی جهت بر هم زدن امنیت عمومی و اخلال در نظم اجتماعی و نهایتاً تضعیف حکومت اسلامی، اقدام به توزیع و ترویج وسایل آرایشی، مشتقات خونی، و یا سرنگ های آلوده به ایدز در سطح جامعه می نمایند و به این طریق آرامش عمومی را بر هم زده و فضای خوف و وحشت را در جامعه سایه می افکنند، مجازات چنین اشخاصی از باب محارب و مفسد فی الارض یعنی اعدام صحیح به نظر می رسد.

6- تهدید علیه بهداشت عمومی

برخی نیز فعل مرتکب را از آن جا که موجب انتقال ویروس و شیوع آن می گردد، مطابق با ماده 688 ق مجازات اسلامی دانسته و عمل مذکور را تهدید علیه بهداشت عمومی محسوب نموده اند.

«هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی، توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنان چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس تا یک سال محکوم خواهد شد.»

از آن جا که موارد مذکور در ماده فوق حصری نبوده و جنبه تمثیلی دارد، فلذا انتقال ایدز را نیز می توان داخل در این ماده و از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی دانست. به نظر ما نیز انتقال و تعریض بیماری

های مسری علی الخصوص ایدز، تهدید جدی علیه بهداشت عمومی محسوب می گردد و نیاز به مقرراتی خاص جهت مجازات چنین رفتارهایی مجرمانه ای به شدت احساس می گردد. با وجود این که این مسأله و تصویب مقررات خاص «سلامت و بهداشت عمومی» در کشورهای اروپایی دارای سابقه و قدمت بسیار زیادی می باشد، لکن متأسفانه در کشور ما، جای خالی این دسته قوانین به شدت احساس می شود. ماده 688، گرچه به عنوان تنها ماده مربوط به بهداشت عمومی در قانون مجازات اسلامی پاسخ گوی نیازهای مربوطه نبوده و کافی به نظر نمی رسد لکن وجود چنین ماده ای، خود نقطه قوتی در قانون مجازات اسلامی به شمار می آید. با وجود این تفصیل، اگرچه انتقال ایدز می تواند به عنوان صدیقی از تهدید علیه بهداشت عمومی به شمار آید، مجازات آن با این ماده صحیح به نظر نمی رسد. زیرا اگرچه موارد مذکور در این ماده حصری نبوده و جنبه تمثیلی دارد، لکن می بایست میان موارد تمثیلی مشابهت هایی وجود داشته باشد. به نظر ما انتقال ایدز با هیچ یک از موارد مذکور در ماده مشابهت و یا وحدت ملاک ندارد و مجازات مقرر در این ماده (حبس تا 1 سال) نیز گواه خوبی بر این مطلب است که قانون گذار چنین جرم سنگینی را مد نظر نداشته است. مضافاً تبصره یک همین ماده بیان می دارد:

«تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته شود... حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.»

در حالی که تا کنون نیز از سوی هیچ یک از نهادهای مزبور، انتقال ایدز به عنوان تهدید علیه بهداشت عمومی اعلام نگردیده است.

7- اسید پاشی

برخی انتقال بیماری ایدز را با لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید منطبق دانسته اند. (نظریه اکثریت قضات در دادگستری فیروزکوه www.dadgostary.com) ماده وارده که در این رابطه در بهمن 1337 به تصویب رسید اذعان می دارد: «هرکس عملاً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی شود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی و یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان و یا از کار افتادن عضوی از اعضا شود به حبس از 2 تا 10 سال و اگر موجب صدمه ی دیگری شود به حبس 2 تا 5 سال محکوم می شود. اما به

نظر می‌رسد که صدق عنوان اسد پاشی بر انتقال ایدز امری نامأنوس است و عقل سلیم نمی‌تواند انتقال ایدز را از مصادیق اسید پاشی بداند.

نتیجه‌گیری

انجام شده نشان می‌دهد که جرم انگاری رفتارهای انتقال دهنده ویروس HIV، امری لازم و ضروری است. که در حال حاضر به دلیل فقدان قانون خاص برای مجازات کردن رفتارهای انتقال دهنده ایدز، می‌توان از عناوین سنتی حقوق کیفری بهره‌مند شد. در این میان اگر انتقال ایدز موجب مرگ بزه دیده شود، بنابر مقررات مربوط به قتل عمد (با احراز سایر شرایط مربوطه) قابل تعقیب خواهد بود و چنان چه ایدز به عنوان سلاحی جهت کشتن دیگری مورد استفاده قرار گیرد، لکن نتیجه مزبور (خارج از اراده فاعل آن) محقق نگردد، استفاده از عنوان کیفری شروع به قتل عمد قابل توجیه می‌باشد. و چنان چه انتقال ایدز بدون قصد قتل و بدون اطلاع از وضعیت ناقل بودن فرد صورت گرفته باشد، لکن وضعیت فرد به نحوی است که باید می‌دانسته که مبتلا به ایدز می‌باشد و یا احتمال ابتلا به این بیماری را دارد، ماده واحده قانونی طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی مصوب مجلس شورای ملی مراعات خواهد شد. هم‌چنین بنا بر مباحث مطرح شده این نتیجه به دست می‌آید که گاه می‌توان گونه‌هایی از انتقال ایدز را مصداقی از عنوان کیفری ذیل ماده 279 ق.م.ا.ح.ا. و افساد فی الارضه شمار آورد. اما تعقیب و مجازات انتقال دهنده ایدز ذیل عنوان کیفری «به خطر افتادن بهداشت و سلامت عمومی» و هم‌چنین «وارد کردن ضرب و جرح عمدی» مناسب به نظر نمی‌رسد.

پس قانون‌گذار هرچه سریع‌تر باید به مسائل حقوقی و اجتماعی مربوط به انتقال ایدز توجه دقیق نشان دهد. و نگاه او به این مقوله باید نگاهی مبتنی بر حفظ بهداشت عمومی باشد. البته در تصویب قانون خاص مربوط به انتقال ایدز باید نهایت تلاش صورت پذیرد تا از اعمال تبعیض، علیه مبتلایان به این بیماری و نقض حقوق اساسی این افراد ممانعت بعمل آید.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب فارسی

- 1- تبریزی، میرزا جواد، (1361) استفتائات جدید، ج2، چاپ اول، قم: بی تا.
- 2- کاتوزیان، ناصر- (1378). الزام های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، ج1، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 3- منتظری، حسین علی (1364). رساله استفتائات، ج3، چاپ اول، قم: بی تا.
- 4- منتظری، حسین علی (1377)، توضیح المسائل، قم، نشر تفکر.
- 5- میر محمد صادقی، حسین (پاییز 1382)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر میزان.

كتب عربى

- 1- حر عاملى، محمد بن حسن (1414ه.ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت.
- 2- خمينى، (امام) سيد روح الله (1365) تحرير الوسيله، ج2، چاپ پنجم، تهران: منشورات مكتبه الاعتماد.
- 3- عوده، عبدالقادر- (1405). التشريع الجنائى الاسلامى، ج1، چاپ ششم، بيروت: انتشارات مؤسسه الرساله..
- 4- نجفى، شيخ محمدحسن- (1404). جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، ج42، چاپ هفتم، بيروت: دار احياء التراث العربى.

كتب لاتين:

1-Elliot R,(1997)criminal law,public Health and HIV
ransmission,montreal;Canadian HIV/AIDS legal network &Canadian AIDS
society.

وبگاه ها:

- 1-www.advert.org
- 2-www. Dadgostary.com